۱۸

زیارت اہل قبور

بسم الله الرحمن الرحيم

زیارت اهل قبور

گروه پژوهش وپاسخ به شبهات

مترجم:

گروهی از مترجمان

مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام

سرشناسه : موسوی، عبدالرحیم، ۱۳۴۲ –
عنوان قراردادی : زیاره القبور. فارسی.
عنوان و نام پدید آور: زیارت اهل قبور / تألیف گروه پژوهش، عبدالرحیم موسوی؛ ترجمه گروهی از مترجمان.
مشخصات نشر : قم : مجمع جهانی اهل بیت (ع) ، ۱۴۳۸ ق. = ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری : ۵۷ ص .
شابک : ۹۷۸-۹۶٤-۵۲۹-۹۹۱-۸
وضعیت فهرست نویسی: فیپا.
یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع : گورها و گورستانها - زیارت
موضوع : گورها و گورستانها – زیارت - احادیث
موضوع : زیارت
شناسه افزوده : مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام. معاونت فرهنگی. اداره ترجمه
رده بندی کنگره : ۱۳۹۶ - ۹۰۴۱ ز ۸ م / BP ۲۲۶/۷
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۶

پیرو تأکیدات مقام معظم رهبری مدظله العالی، مبنی بر استفاده از تولیدات داخلی، این کتاب با کاغذ ایرانی چاپ شده است.

مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام

● *زیارت اهل قبور*.
تألیف: گروه پژوهش و عبدالرحیم موسوی.
ترجمه: گروهی از مترجمان
ویراستاری: امر ا... نصیری.
صفحه آرایی و تصحیح: قاسم البغدادی.
ناشر: مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام.
نوبت چاپ: اول .
چاپخانه: خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله.
سال نشر: ۱۳۹۶هـ . ش. /۱۴۳۸هـ . ق .
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد.
شابک: ۱-۹۹۰-۵۲۹-۹۶۴-۹۷۸

حقوق چاپ برای ناشر محفوظ است.

آدرس: قم، بلوار جمهوری، نبش کوی ۶، تلفن: ۳۲۱۳۱۲۲۱ – ۰۲۵
تهران، بلوار کشاورز، مقابل پارک لاله، شماره ۲۲۸، تلفن: ۸۸۹۷۰۱۷۱ – ۰۲۱
www.ahl-ul-bayt.org abwa-cd.com
info@ahl-ul-bayt.org www.abna.ir

أهل البيت عليهم السلام

في القرآن الكريم

إنما يريد الله
ليذهب عنكم الرجس أهل البيت
ويطهركم تطهيرا

سورة الأحزاب/ آية : ٣٣

خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

أهل البيت عليهم السلام
في السنة النبوية

إني تارك فيكم الثقلين
كتاب الله وعترتي أهل بيتي
ما إن تمسكتم بهما لن تضلوا بعدي أبدا

«الصحاح والسنن»

همانا من در میان شما دو شیء گرانبها را باقی می گذارم؛
که تا وقتی به آنها چنگ زنید، هرگز پس از من گمراه نشوید.

فهرست

سخن مجمع ۹
مقدمه ۱۳
فواید زیارت اهل قبور ۲۳
الف: عبرت و پند گرفتن ۲۳
ب: یاد آخرت و دل کندن از دنیا ۲۵
ج: رشد و توسعه خیر و عواطف والا ۲۶
[آرای مذاهب مختلف اسلامی پیرامون زیارت اهل قبور] ۲۷
معنای لغوی زیارت ۲۹
اوّل: دلیل قرآنی بر مشروعیّت زیارت قبور ۲۹
دوّم: دلیل روایی برمشروعیّت زیارت اهل قبور ۳۱
دستهٔ اول ۳۱
دستهٔ دوّم ۳۳
سوّم: دلیل تاریخی ۳۵
چند نمونهٔ تاریخی ۳۵
چهارم: توسّل در کنار قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله ۳۸
پنجم: زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله ۴۱
نظر وهّابیان دربار ۀ زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله ۴۴

پیشگفتار

«کار اساسی شما [مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام]... معرفی مکتب اهل بیت علیهم‌السلام است به دنیای اسلام. بلکه به سراسر عالم، چون امروز همه دنیا تشنه معنویت اند و این معنویت در اسلام هست و در اسلامی که در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام معرفی می کند به نحو جامع و کاملی وجود دارد».

(از بیانات مقام معظم رهبری «مد ظله العالی»، ۲۸/ ۵/ ۱۳۸۶**)**

اسلام ناب محمدی در مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام تبلور یافت. ومعارف غنی و متقن و متکی به برهان و برخاسته از فطرت سلیم انسان در این مکتب انسان ساز با مجاهدت هزاران دانشمند و جهادگران عرصه علم و ادب و فرهنگ درحال انتشار و گسترش می باشد.

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی قدس سره و تأسیس نظام اسلامی با تکیه بر قوانین اسلامی و با محوریت ولایت فقیه، افق های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جدیدی را برای انسان‌های آزاده به ویژه مسلمانان و پیروان و محبّان اهل بیت علیهم السلام گشود و توجه بسیاری از نخبگان و مستضعفان جهان را به خود معطوف کرد.

مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، مولود این دگرگونی مبارک است که به ابتکار مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی امام خامنه‌ای (مد ظلّه العالی) در سال ۱۳۶۹شمسی/ ۱۹۹۰میلادی تأسیس شد و تاکنون خدمات شایانی را در تبلیغ معارف قرآن و اهل بیت علیهم السلام و حمایت از پیروان اهل بیت علیهم السلام در سراسر جهان انجام داده است.

معاونت فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام با هدف معرفی صحیح اهل بیت علیهم السلام ومعارف ژرف آنان و پاسخ به شبهات دگراندیشان مجموعه‌ای از معارف این مکتب که پاسخگوی مهمترین شبهات مطرح، را با روش علمی در سلسله‌ای بهم پیوسته تقدیم جامعه اسلامی و انسانی نموده است و دومین چاپ را به روان پاک شهدا و علمای مجاهد در راه اعتلای اسلام ناب محمدی اهدا می‌نماید.

در خاتمه از دبیرکل محترم مجمع و اعضای محترم شورای کتاب و مدیران کل پژوهش و ترجمه و ادارات تابعه و کلیه همکاران که

در عرضـــهٔ این اثر به بهترین شـــکل نقش داشـــته‌اند به ویژه مؤلف محترم جناب حجت الاسلام سید عبدالرحیم موسوی قدردانی می‌نماید.

بـــا امید به تعجیل فرج و ظهور مهدی آل محمدصلی‌الله‌علیه‌وآله و بهره‌مندی جهان بشـــریت از مکتب صـــلح و صـــفا و جهان شـــمول اســـلام ناب محمدی.

علیرضا ایمانی
معاون امور فرهنگی

مقدمه

وحدت، همبستگی، اتّحاد و انسجام، از اصول عقلانی و برخاسته از اعماق سرشت انسانی است؛ هم چنان که یک اصل ثابت، مسلّم و همیشگی دین مقدّس اسلام نیز بوده و هست و تحقّق آرمان های آفرینش و نیل به اهداف عالی آن در این راستا قابل دسترسی است و قطعاً هیچ قوم و آحاد جامعه‌ای، در جنگ و فتنه، نزاع و تفرقه، به خیر و سعادت و کمال انسانی، نخواهد رسید.

امام امیر المؤمنین علیّ بن ابی طالب علیه السلام می فرماید:

«إنّ الله سبحانه لم يُعط أحداً بفُرقةٍ خيراً ممّن مضى ولاممّن بقى».[1]

«خداوند سبحان، نه به گذشتگان و نه به آیندگان ، با تفرقه و جدایی خیری را عطا نکرده و نمی کند».

در سایهٔ وحدت و یک دلی است که جامعه به آرمان ها و پلّه های ترقّی، گام نهاده و زیباترین استحکامات را بر سرتاسر جامعه حاکم می کند و محبّت و صمیمیّت و صلح و صفا را می گستراند.

از این رو، می بینیم قرآن کریم با لحن محکم و با هدف هدایت، چنین می فرماید:

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّه جَمِيعاً وَلاَتَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللّه عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُم بِنِعْمَتِه إِخْوَاناً وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَاحُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِنْهَا كَذلِكَ يُبَيِّنُ اللّهُ لَكُمْ آيَاتِه لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾.[2]

---

۱ ــ نهج البلاغه: خطبهٔ ۱۷۶.

۲ ــ آل عمران: ۱۰۳.

«همه با هم، به حبل الله چنگ زنید و پراکنده نشوید و یـاد بیاوریـد آن زمانی را که با هم دشمنی می کردید. پس خداوند دل های شما را به هم نزدیک کرد و الفت و برادری بر شـما حـاکم نمـود و (نیـز) یاد بیاورید آن زمانی را که شما، در لبهٔ پرتگاه آتش قرار داشتید، پس خداوند شما را از آن نجات داد و خداوند ایـن چنـین آیـات خـود را تبیین می کند، شاید به هدایت دست یابید».

و نیز پیامبر اکرم؛ حضرت محمّد بن عبدالله صلی الله علیه و آله می فرماید:

«المؤمن للمؤمن كالبنيان يشدّ بعضه بعضاً».[1]

«نسبت فردِ با ایمان با مؤمن دیگر، همانند اجزای یک ساختمانند کـه هر جزئی از ساختمان، جزء دیگر را نگه داشته و محکم می نماید».

و نیز حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

«**المؤمن أخو المؤمن، كالجسد الواحد، إن اشتكى شيئاً منه وجد ألَم ذلك في سائر جسده**».[2]

«مؤمن برادر مؤمن است ، مانند آنکه یک جسد می‌باشند؛ اگر عضوی از آن به درد آید، درد و رنج آن به دیگر اعضاء خواهد رسید».

بنابر این تفرقه، کینه تـوزی، نـزاع و خـون‌ریـزی، هرگـز مـشروعیّت و مصونیّت نداشته و از کبائر و زشتی‌هاست که وجدان و عقـل سـلیم، آن را بـی اساس و بی فرهنگی معرّفی کرده و در دین اسلام هم شدیداً مـورد نکـوهش و توبیخ قرارگرفته و مرتکب آن را به عذاب الهی، وعده داده است.

جهالت جاهلان و دسیسهٔ دسیسه گـران و فتنـه انگیـزان، در طـول تـاریخ مسلمین، کوشیده است که وحدتِ صفوف و یک پارچگیِ مسلمین، به جنگ و

---

۱ ــ اصول کافی ۱۶۶/۲؛ نهج الفصاحه: ۷۷۹؛ کنز العمّال: ۱۴۱/۱.

۲ ــ بحار الأنوار: ۱۴۸/۶۱.

خون ریزی تبدیل شده و کینه و بغض و بد بینی و اتّهام بـه خـروج از دیـن و ورود در شرک را گسترش دهد. بنابر این بر مسؤلان و رهبران امّت و برآحـاد جامعهٔ اسلامی، فرض و حتم است که اجازه ندهند چنین فضائی بر جامعه اسلامی حاکم گردد و در نتیجه ذخائر و ثروت هـای امـت اسـلام، توسّـط مـستکبران روزگار و کافران خوش رنگ و نگار و صاحبان تراست هـا و کارتـل هـا بـه راحتی و سهولت، غارت شود.

ما پیروان اهل بیت علیهم السلام، برخود لازم می دانیم جهت وحدت بیشتر مـسلمین و زدودن موانع این اتّفاق و انسجام، نسبت‌های ناروائی که در طـول تـاریخ، بـه ویژه در این سال‌های اخیر، به مکتب اهل بیت علیهم السلام و به صـورت ناجوانمردانـه نسبت داده شده، از خود دورکنیم و با تمام وجود، از این تهمت ها و نسبت هـا توسّط تکفیری ها و جریاناتی که آلت دست انگلیـسی هـا، صهونیـست‌هـا، و غارتگران امریکا و ... هستند، اعلان انزجار و تبرّی بجوییم.

از باب نمونه:

۱ ــ ما که کتاب آسمانی مصون از تحریف، یعنی قرآن کریم را تنها کتاب همهٔ مسلمین و بدون آن که کم و زیاد شده باشد و عیناً، همـان قـرآن کـریم حضرت خاتم الأنبیاء محمّد مصطفی صلی الله علیه و آله و ثقل اکبـر و سرتاسـر آن را داعـیِ توحید و یکتاپرستی می دانیم؛

ــ ما که بزرگ ترین موفّقیّت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را نفی بتها (اصنام) و نفـی عبادت لات و عزّی و اعلان و تحقّق کلمهٔ توحید **«لا إله إلا الله»** می دانیم؛

ــ ما که خطبه های غرّای توحیدی مولی الموحدین امیـر المـؤمنین علیه السلام را

ــ شبانه روز ــ در مراکز آموزشی و پژوهشی، دانشگاه هـا و حـوزه هـا و محافل علمی و تربیتی مان به تلاوت و تدریس و استضائه می نشینیم؛

ـ ما که در مساجد و مراکز عبادتی مان ، متون سراسر توحید اهل بیت پیامبرﷺ را همانند دعای کمیل از امام علیؑ، دعای عرفه از امام حسینؑ و دعای ابو حمزه ثمالی از امام سجادؑ و ده ها دعای توحیدی دیگر تلاوت می شود و طنین انداز است:

«... متی غِبْتَ حتّی تَحْتاجَ إلی دلیلٍ یَدلُّ علیكَ... عَمیَتْ عینٌ لا تَراكَ... ماذا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَما الّذي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ...».[۱]

ـ ما که هزاران اثر معرفتی و توحیدی همچون کتاب توحید شیخ اقدم «صدوق» را داریم، ما که ...

با همهٔ این اوصاف، به صورت جاهلانه و مزوّرانه و مزدورانه به هدف بدبین کردن سایر مسلمین ناجوانمردانه به شرک متّهم شده و می شویم!!! (**فما لهم کیف یحکمون**)؟؟!!.

۲ ـ اعتقاد به امام مهدیؑ و مهدویّت، ریشه قرآنی دارد و مذاهب و فرق اسلامی ـ روی هم رفته ـ به آن اعتراف دارند تا جائی که انکار آن را موجب قتل منکر آن دانسته اند.[۲]

و نیز جایگاه رفیعی از سنّت و معرفت اسلامی را برای آن حضرت ذکر کرده اند و قاطبهٔ علمای اهل بیتؑ و بسیاری از علمای مذاهب اسلامی، روایات و احادیث و اخباری که در شأن و ولادت آن حضرت است، مورد تصریح و تصحیح و اعتراف قرارداده اند؛ مانند صاحب سنن ترمذی، قرطبی مالکی، ابوجعفر عقیلی، سیوطی، ابن حجر عسقلانی، حاکم نیشابوری، بیهقی، ابن اثیر، بغوی، ابن قیّم، ذهبی، تفتازانی، ابن کثیر دمشقی، جزری شافعی، عبدالوهّاب شعرانی، متّقی هندی، عبدالباقی زرقانی، سفارینی حنبلی، محمّد امین

---

۱ ـ بحار الأنوار: ۹۵/ ۲۲۶ (بخشی از دعای عرفه).

۲ ـ همانند ابن حجر هیتمی شافعی، شیخ صبای حنفی، خطابی مالکی، یحیی حنبلی و...

سویدی، شوکانی، مؤمن شبلنجی، قنوجی بخاری، کتانی مالکی، خـضر مـصری، غماری شافعی، ناصر الدین البانی، ابواعلی مـودودی، کمـال الـدین ابـن طلحـه شافعی، یاقوت حموی، ابو نعیم اصفهانی، ابن جـوزی حنبلـی، گنجـی شـافعی، جوینی شافعی، ابن علی شافعی همدانی، حمد الله مستوفی، ابن شحنهٔ حلبی حنفی، خواجه پارسا حنفی، ابن صبّاغ مالکی، سراج رفاعی، ابـن طولـون دمـشقی، ابـو عبّاس قرمانی حنفی، ابن عامر شبراوی، ساباط قاضی حنفـی، قنـدوزی حنفـی، حمزاوی شافعی مصری، زرکلی سلفی، یونس سامرایی، احمد طوسی بلاذری، ابن شاکر بدری شافعی، عبدالکریم یمانی، صبان شافعی، ابن عماد دمشقی حنبلـی و غیر اینان... .

حال نگاه بیندازید و ببینید:

امام مهدی علیه السلام و مهدویّت ــ که در کتاب و سنّت، محکـم تـرین ریـشه و اساس و برهان و این همه معترف به تواتر و صحت و ولادت و حیات از جمیع فرق اسلامی داردــ چگونه با زشت‌ترین تعبیرها مورد استهزاء و تمسخر و افتراء و نسبت‌های ناروا قرار گرفته است؟!.

از این عصارهٔ انبیاء و خلف اوصیا، گاهی به «امـام مزعـوم» و گـاهی بـه «معدوم» و ... تعبیر می‌شود !! و گاهی می‌نویسند که شیعیان کنار سرداب حلّـه یا سرداب بغداد، یا سرداب سامرّا[1] و یا ... مرکبی را آماده می‌کنند تا آن کـه او وقتی که از آن سرداب خارج شد، سوار آن مرکب شود!. اینان هنگـام نمـاز هم، هم چنان در کنار مرکب باقی می‌مانند، زیرا ممکن است که در همان وقت از سرداب خارج شود و کسی کنار مرکب نباشد تا او را سوار کنند!!.

---

۱ ــ بالآخره، معلوم نشد این سرداب کجاست!

وارونه نشان دادن حقایق، تحریف و سیاه نمایی در زمینهٔ اعتقادات و معارف حقّه اهل بیت‌علیهم‌السلام توسّط دشمنان و بقاء بر میت‌های **آکلة** الاکباد و آنان که گوینده **« لااله الاّ الله و محمّدٌ رسول الله»** و معتقدان معاد و محشر و اهل قبله و قرآن را همانند گوسفند سر می برند و جهت جلب رضایت سردمداران کفر و غاصبان قدس، همه گونه خوش خدمتی دارند و در تمام دوران ننگین رژیم جعلی و سفّاک صهیونیستی، در حمایت از مظلومین فلسطین، و مقدسات مسلمین حتی یک فشنگ و یا تیری رها نکرده‌اند، امّا هر روز شاهد آنیم که دسته دسته اهل قبله و توحید و بعثت و معاد را با کمال شقاوت و بی رحمی، قطعه قطعه و به آتش می‌کشند و فتنه و تفرقه را بین امّت اسلام می‌گسترانند.

لازم به تذکر است: این دو مورد به عنوان نمونه بود و گرنه مسلمانان هر روزه شاهد نشر و بسط صدها مورد دیگر با هزاران سایت و کتاب و مقالات و نرم افزار، توسّط این مجموعهٔ فاقد عاطفه و رحم و متحجّر و تکفیری با هدف شوم تفرقه افکنی و جنگ و جدال در امّت اسلامی می باشند، **فإلی الله المشتکی**.

در هر صورت، ما به عنوان این که به حفظ وحدت مسلمین و قطع ید اجانب از بلاد اسلامی و زدودن اتّهامات و افتراءات از مکتب اسلام و معارف اهل بیت‌علیهم‌السلام مکلّفیم، بر خود واجب می‌دانیم جهت زایل کردن بدبینی از ذهنیّتی که اینان در بین عموم مسلمین با دروغ، نفاق، افتراء و بهتان ساخته‌اند، اقدام نماییم و انزجار و بی زاری خود را از این تفرقه افکنان و جنگ افروزان وابسته به استکبار و کفر جهانی، اعلان نماییم.

مجموعهٔ «**في رحاب اهل البیت**علیهم‌السلام»[۱] حدود چهارده سال پیش، جهت زدودن این ذهنیّت و زدودن برخی از موانع وحدت، در معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و با کمک، مساعدت و همکاری گروهی از فضلا و محققین[۲]، طرّاحی و سپس مورد تنظیم و تدوین قرار گرفت.

بحمدالله به سرعت و به طور گسترده و چشمگیر، مورد استقبال محافل علمی و پژوهشی و علاقه مندان و دوستداران وحدت مسلمین، قرار گرفت.

شخصیّت‌های علمی و دست اندرکاران نشر و قلم و گروه‌های محاوره و مناظره، در همان زمان تدوین و نشر، پیشنهاد ترجمه‌ی این مجموعه را به زبان‌های زنده دنیا دادند که بحمدالله ترجمهٔ فارسی آن توسّط ادارهٔ ترجمهٔ

---

۱ ـ این مجموعه بیش از چهل جلد است که هر یک از آنها به یک موضوع و یک شبهه اختصاص دارد و به زبان عربی و با سبک مقارنه و ارائه دلائل تنظیم یافته است.

۲ ـ جهت تقدیر از زحمات عزیزانی که در این مجموعه به نوعی تلاش داشته و نقشی که در تحقّق این کار علمی و فرهنگی داشته‌اند. متذکّر می شویم:

۱ ـ ابوالفضل اسلامی (علی)؛ مسؤول گروه و مشرف علمی پروژه.

۲ ـ سیّد منذر حکیم؛ پیگیر امور مجموعه.

۵ ـ ۳ ـ سیّد عبدالرحیم موسویرحمه‌الله، شیخ عبدالکریم بهبهانی و صباح بیاتی؛ تهیّه کنندگان بعضی از متون مجموعه.

۹ ـ ۶ ـ شیخ عبدالأمیر سلطانی، شیخ محمّد هاشم عاملی، شیخ محمّد امینی و شیخ علی بهرامی؛ تصدّی مسائل استخراج و مقابله.

۱۳ ـ ۱۰ ـ سیّد محمدرضا آل ایّوب، عباس جعفری، حسین صالحی و عزیز عقابی؛ در مسائل تصحیح و تطبیق و روند امور.

ضمن آن که از نظرات ارزشمند آقایان: شیخ جعفر الهادی (خوشنویس)، شیخ محمّدهادی یوسفی غروی، استاد صائب عبدالحمید وغیر اینان در برخی از این متون استفاده کرده‌ایم. جزاهم الله خیر الجزاء. (ناشر)

معاونت امور فرهنگی، آماده گردید و اینک مورد بررسی مجـدّد و ویراسـتاری قرار گرفت و تقدیم علاقه مندان می‌شود.

امید است که این تلاش و جهاد فرهنگی، مورد قبـول پروردگـار متعـال و عنایت حضرت **بقیّة** الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گرفته باشد.

گـروه مطالعـات بنیادی

ابوالفضل اسلامی (علی)

۱۳۹۲/۸/۲۸

فواید زیارت اهل قبور

مسألهٔ «زیارت اهـل قبـور و احتـرام بـه امـوات»، همـواره در اجتماعات بشری، رواج داشته و از اختصاصات جامعهٔ دینی و اسلامی نمی‌باشد بلکه تمام جوامع بشری با هر دین و آیین، بـه آن احتـرام می‌گذارند.

این احترام به مردگان و اهتمام به زیارت اهل قبـور، از بـاطن و سرشت انسان سرچشمه گرفته و او را به آن وادار می‌کنـد و دارای منافع انسانی و اجتماعی است. از این جهت همـواره مـورد توجّـه و عنایت ملّتها و مردم بوده است.

شارع مقدّس، به منظور اهداف تربیتی انسانی که از زیارت قبـور به فرد و اجتماع بر می‌گردد، مسلمین را به اهتمام دربارهٔ زیارت اهل قبور فرا خوانده است. در این جا به برخی از فواید آن اشاره می‌شود.

الف: عبرت و پند گرفتن

«زیارت اهل قبور»، از امور موعظه بخش و عبرت دهنده اسـت. کسی که سری به قبرستان می‌زند و کوچک و بزرگ و فقیر و غنی را در آن جا آرمیده می‌بیند، بی اختیار توجّه می‌کند که او نیز در هر شرایطی که به سر می‌برد، روزی باید در چنین قبرستانی قرار بگیرد. چنین احساسی، به طور طبیعی او را از ادامـهٔ کارهـای زشـت، منـع

می‌کند بلکه به او هشدار می‌دهد که خود را برای چنین جایگاهی آماده کند.

در حدیثی از پیامبر اسلامﷺ به این فایده اشاره شده است: «من قبلاً شمارا از زیارت قبور منع کرده بودم، ولی اکنون می گویم: قبور را زیارت کنید؛ زیرا در آن عبرت است».[۱]

روشن است که پند و عبرت گرفتن، فقط در زیارت قبور اولیا، صالحان و امثال آنان نیست بلکه قرآن کریم اشاره می‌کند که در قبور ستمگران و طاغوتهای عالم نیز عبرت و موعظه می‌باشد:

﴿فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلْفَكَ آيَةً وَإِنَّ كَثِيراً مِنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ﴾.[۲]

«پس ما امروز، بدنت‌را برای عبرت خلق و بازماندگانت، به ساحل نجات می رسانیم، با این که بسیاری از مردم، از آیات ما سخت غافل هستند».

خداوند اراده کرده است که جسد فرعون با این که آن همه قدرت داشت و پیروانش خیال می‌کردند که او نمی‌میرد، یکی از ابزار و وسایل عبرت باشد.

این آیه از بنی اسرائیل و نسلهای آینده به طور صریح می خواهد که قبر و مردهٔ فرعون را زیارت کنند تا ببینند که فرعون، چه

---

۱ ـ مستدرک حاکم: ۱ / ۳۷۵ کتاب الجنائز فی زیارة القبور.

۲ ـ یونس (۱۰): ۹۲.

سرنوشتی پیدا کرده است و همهٔ هم مسلکهای او به همـان گرفتـار می شوند که او دچار شده است.

زمخشری در تفسیرش می نویسد:

«فرعون با آن همه عظمت و بزرگی که داشت، عاقبت امرش در اثر معصیت و نافرمانی پروردگارش، به کجا انجامید؟ پس دیگـران کارشان به کجا خواهد انجامید؟!»

و نیز می گوید:

«داستان فرعون، عبرتی است که امّتها باید از آن پند بگیرنـد و مانند فرعونیان، بر مولایشان تجرّی و بی حیایی نکنند».[1]

بنابر این، باقی گذاشتن بدن فرعون، به منظور تماشا و دیدن بوده است که قهراً دارای عبرت و موعظه است.

ب: یاد آخرت و دل کندن از دنیا

اعتقاد به «معاد» از اصول دین است. کسی که معتقد اسـت روزی باید جوابگوی اعمالش باشد و آفرینش او بیهوده نبوده و نیست، نتایج زیادی خواهد دید. چنین اعتقاد و احساسی، انسان را بر ترک تباهی و شرارت و نیز انجام کارهای خوب و پسندیده تشویق می کند.

---

۱ ـ کشّاف زمخشری: ۲/ ۳۶۹.

زیارت اهل قبور، با تقویت چنین اعتقـادی، انـسان مـسلمان را در جهت خیر، تربیت می‌کند و او را از حرص بـر زرق و بـرق دنیـای گذرا باز می‌دارد و همین مضمون، از حدیث رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله اسـتفاده می‌شود که فرمود:

«من قبلاً شما را از زیارت قبـور منـع کـرده بـودم ولـی حـالا می‌گویم: قبور را زیارت کنید ؛ زیرا موجب دل کندن از دنیا و یـاد آوری آخرت است».[۱]

ج: رشد و توسعه خیر و عواطف والا

«زیارت اهل قبور»، احساس خیر خواهی و فضیلت جویی را رشد می‌دهد.

پیغمبر اسلامصلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

«قبلاً شما را از زیارت قبور منع کرده بودم ولی حالا مـی‌گـویم قبرها را زیارت کنید؛ زیرا موجب زیادی خیر می‌شود».[۲]

در حدیث دیگر آمده است:

«قبور را زیارت کنید؛ زیرا موجب رقّت قلـب و بـه راه افتـادن اشک چشم و یاد آخرت می‌شود و [هنگام زیارت اهل قبور]حرفهای بیهوده نگویید».[۳]

---

۱ ــ سنن ابن ماجه: ۱ /۵۰۱، باب ۴۷، ح ۱۵۷۱.

۲ ــ مستدرک حاکم: ۱/ ۳۷۶، کتاب الجنائز.

۳ ــ مستدرک حاکم: ۱/ ۳۷۶، کتاب الجنائز.

انسانی که نگاهش به قبرها می‌افتد، به عاقبتش فکر می‌کند و از محبّت خداوند، به گریه در می‌آید. قهراً این گریه و چنین احساساتی، رابطهٔ او را با درگذشتگان و سایر افراد جامعه تقویت می‌کند، در نتیجه موجب رشد اُلفت و علاقه، ترحّم بر دیگران و ادای حقوق و امانات و انجام وظایف محوّله می‌شود.

اینها برخی از فواید و منافع زیارت اهل قبور است و بحثی در آن نیست، ولی ما در این جا می‌خواهیم زیارت اهل قبور را از ناحیهٔ شرعی مورد بحث قرار بدهیم و ببینیم که آرا و نظریّات مذاهب مختلف اسلامی در این باره چیست؟ از این رو، باید چندین مطلب را مورد بررسی و تحقیق قرار دهیم.

[آرای مذاهب مختلف اسلامی پیرامون زیارت اهل قبور]

معنای لغوی زیارت

«زیارت» در لغت، به معنای «قصد و ملاقات» است. «زَارَهُ، زیارةً وزوراً»، قَصد زیارت او را کرد؛ بدین جهت، شخص ملاقات کننده را «زایر» می‌گویند.[1]

از نظر تفاهم عرفی، یک نوع احترام و تجلیل از طرف زایر نسبت به طرف زیارت شونده استفاده می‌شود؛ مثلاً کسی که به زیارت زیارتگاهی می‌رود، آن را تجلیل و تکریم کرده و با آن اظهار انس می‌نماید.[2]

اوّل: دلیل قرآنی بر مشروعیّت زیارت قبور

خداوند متعال به پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله دستور داده که بر جنازهٔ منافق نماز نخواند و بر سر قبر او نایستد:

«بر هیچ یک از آنان که مرده‌اند، ابداً نماز نخوان و بر قبر آنان نایست، آنان به خدا و رسول او کفر ورزیدند و در حالی که فاسق بودند، مردند».[3]

---

۱ ـ المصباح المنیر: ۲۶۰، مادّه زور.

۲ ـ همان.

۳ ـ توبه (۹): ۸۴.

ممکن است سؤال شود که معنای این قسمت از آیهٔ شریفه که می‌فرماید: ﴿**وَلاَ تَقُمْ عَلَىَ قَبْرِهِ**﴾ چیست؟ آیا مراد، ایستادن بر سر قبر، فقط در موقع دفن است؟ یا منظور ایستادن، در موقع دفـن و غیر دفن است؟

باید گفت: این آیه از دو جمله تشکیل شده است: جملهٔ اوّل: ﴿**وَلاَ تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِّنْهُم مَّاتَ أَبَدًا**﴾.

جملهٔ دوّم: ﴿**وَلاَ تَقُمْ عَلَىَ قَبْـرِهِ**﴾، جمله دوّم بر جملهٔ اوّل عطف شده است؛ بنابر این، احکام جملهٔ اوّل بر جملـهٔ دوّم هـم جـاری است. و از آن جایی که جملـهٔ اوّل، دارای قیـد ﴿**ابـداً**﴾ اسـت، لازمه‌اش این است که جمله ای که به آن عطف می‌شود نیز قیـد «ابدیّت» بر آن ثابت باشد، در نتیجه معنای آن چنین می‌شود:

«بر مرده‌های منافقان، ابداً نماز نخوان و ابداً بر سـر قبرهـای آنان نرو و نایست».

بنابر این، به حکم عطف و معطوف، «ابـدیّت » در جملـه دوّم هم مقدّر است؛ از ایـن رو، قیـام و ایـستادن بـر قبـر منافقـان، اختصاص به وقت دفن ندارد بلکه یک حکـم ابـدی و همیـشگی است، پس بر اساس این آیهٔ شریفه پیغمبر اسـلامﷺ از طـرف خداوند متعال از هرگونه استغفار، دعا، ترحّم و نماز بـر منـافق و

نیز از هر گونه ایستادن کنار قبر منافق، چه در وقت دفن و یا در غیر زمان دفن، ممنوع شده است.

در ضمن از آیهٔ شریفه استفاده می‌شود که نماز و ایستادن بر قبر مؤمن، جایز و مشروع است؛ بنابر این، قبور مؤمنان و دعا و قرائت قرآن بر ارواح آنان گر چه صدها سال از فوت آنان گذشته باشد، جایز است.[۱]

دوّم: دلیل روایی برمشروعیّت زیارت اهل قبور

روایاتی که ترغیب و تشویق بر زیارت قبرها و دعا برای اهل قبور و تقرّب به خدا جستن از راه زیارت آنان می‌کند، دو دسته است.

دستهٔ اول

۱ــ ابو هریره از پیغمبر اسلامﷺ روایت می‌کند:

«هر شخصی که بر سر قبر یکی از دوستان و نزدیکان خود برود و بر او سلام کند و کنار قبر او بنشیند، سلام او را جواب می‌دهد و با او انس می‌گیرد، تا وقتی که از نزد او برود».[۲]

۲ ــ ابو هریره از رسول خداﷺ روایت می‌کند:

---

۱ ــ ر ک : زیارت قبور در کتاب وسنّت آیة الله سبحانی: ۱۲۷.

۲ ــ بیان: ۲۵۰ (شیخ دیلمی آن را روایت کرده است)؛ کنزالعمّال: ۶۵۶/۱۳ ح ۴۲۶۰۱.

«اگر شخصی از کنار قبر کسی که در دنیا او را می‌شناخته عبور کند و به او سلام دهد، صاحب قبر او را می‌شناسد و جواب سلام او را می‌دهد»[۱].

۳ ـ ابو هریره از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند:

«پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله به قبرستان رفت و فرمود: سلام به شما مؤمنان! و به خواست خدا ما به شما ملحق می‌شویم».[۲]

۴ ـ بریده می‌گوید:

«وقتی که مسلمانان می‌خواستند به قبرستان بروند، پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله به آنان یاد می‌داد که این چنین بگویند:

«السلام علیکم أهل الدیار من المؤمنین والمسلمین و إنّا إن شاء الله بکم لاحقون، نسأل الله لنا ولکم العافیة».

[«سلام بر شما ای اهل سرزمین مؤمنین و مسلمین! و ما هم به خواست خدا به شما ملحق می‌شویم و از خداوند می‌خواهیم که به ما و شما عافیت بدهد»].[۳]

۵ ـ عایشه از پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمودند:

---

۱ ـ تهذیب تاریخ دمشق، ابن عساکر: ۷/ ۲۹۲ ، چاپ بیروت.

۲ ـ سنن کبری، بیهقی: ۴/ ۳۱، ح ۷۲۰۷.

۳ ـ مسلم در صحیحش آن را نقل کرده است: ۳/ ۶۵ کتاب الجنایز (با اختلاف مختصری)؛ سنن ابن ماجه: ۳۱/ ۷۸ کتاب الجنایز، باب ۳۶، ح ۱۵۴۷؛ المنتقی من اخبار المصطفی: ۲/ ۱۱۶.

«پروردگارم به من فرمان داده که به بقیع بروم و برای اهل بقیع طلب مغفرت نمایم». به آن حضرت گفتم: چه بگویم ای رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله؟ فرمود: بگو:

«السلام علي أهل الديار من المؤمنين والمسلمين، يرحم الله المتقدمين منّا والمستأخرين وإنّا إن شاء الله بكم لاحقون»...

[«سلام بر شما اهل سرزمین مؤمنین ومسلمین!] خداوند گذشتگان، و آیندگان ما را مورد رحمت قرار دهد وما نیز به خواست خداوند، به شما ملحق خواهم شد»].(۱)

دستهٔ دوّم

(دستهٔ دوّم)، روایاتی است که تشویق به زیارت قبور می‌کند، بعد از آن که از زیارت آنان جلوگیری شده بود، علاوه بر آن که هدف از سنّت نمودن زیارت قبور را نیز یاد آور می‌شود:

۱ـ از پیغمبر اسلامصلی‌الله‌علیه‌وآله روایت شده است:

«من قبلاً شما را از زیارت قبور منع کرده بودم، امّا الآن به شما می‌گویم: اهل قبور را زیارت کنید؛ زیرا موجب یاد آخرت و دل کندن از دنیا می‌شود».(۲)

---

۱ ـ صحیح مسلم: ۳/ ۶۴ (ما یُقال عند دخول القبر)؛ سنن نسایی: ۳/ ۷۶.

۲ ـ سنن ابن ماجه: ۱/ ۱۱۴ (ابواب الجنایز).

۲ـ پیغمبر اسلامﷺ قبر مادرش را زیارت کرد و گریه نمود و دیگران را هم به گریه انداخت، سپس فرمود:

«از خداوند اجازه خواستم که قبر مادرم را زیارت کنم، او به من اجازه داد. شما نیز قبرها را زیارت کنید؛ زیرا شما را به یاد مرگ می‌اندازد»[۱].

۳ ـ از عایشه روایت شده که رسول خداﷺ زیارت قبور را رخصت داده است.[۲]

از این گونه روایات استفاده می‌شود که پیغمبر اسلامﷺ به طور موقت زیارت قبور را منع کرده بود، سپس منع را برمی دارد و تشویق به زیارت قبرها می‌کند و آن را مطلوب قرار می‌دهد.

گفتنی است که علّت منع موقّت زیارت قبور، به مرده‌ها برمی گردد؛ زیرا آنان مشرک و بت پرست بودند و اسلام هر گونه ارتباط با شرک را قطع کرده بود؛ از این رو، پیامبر اسلامﷺ از زیارت این گونه اموات جلوگیری کرد؛ همچنان که بعید نیست علّت منع موقّت، این بوده که مسلمانان، تازه به اسلام گرویده بودند و سر قبرهای مرده هایشان گریه و زاری و نوحه سرایی باطل می‌کردند که آنان را از منطق اسلام خارج می‌کرد، ولی وقتی که

---

۱ ـ صحیح مسلم: ۳/ ۶۵ (باب اجازهٔ پیامبر اکرم از خداوند برای زیارت قبر مادرش).

۲ ـ سنن ابی داوود: ۲ ، کتاب الجنایز، باب زیارت قبور، ح ۱۹۵۵.

اسلام در دلهای مردم ریشه دواند و آنان با تعالیم آن آشنایی و انس پیدا کردند قبور مسلمانان، زیاد شد، پیغمبر اسلامﷺ منع قبلی را برداشت و زیارت قبور را که دارای خیرات و منافع می‌باشد، سنّت قرار داد.[۱]

سوّم: دلیل تاریخی

کسی که در سیرهٔ مسلمین صدر اسلام در زمان حیات پیامبر اسلامﷺ و بعد از رحلت آن حضرت جستجو کند، می‌بیند که زیارت قبور از مسلّمات سیرهٔ آنان بوده است.

چند نمونهٔ تاریخی

۱ـ روزی مروان دید که مردی صورت خود را بر روی قبر پیغمبرﷺ گذاشته است. گردن او را گرفت و به او گفت: «می‌دانی چه می‌کنی؟»

آن مرد گفت: «آری، می‌دانم چه می‌کنم».

وقتی آن مرد روی خود را برگرداند، مروان دید که او ابو ایّوب انصاری است. ابو ایّوب گفت: «نزد رسول خداﷺ آمده‌ام، نه سنگ. از پیغمبر خداﷺ شنیدم که فرمود: اگر تولیت و حکومت

---

۱ ـ ر. ک: زیارت قبور در کتاب و سنّت: ۱۲۸.

دین به دست اهلش افتاد، برای دین گریه نکنید، ولی اگر نا اهلان، متولّی آن شدند، بر آن گریه نمایید».[۱]

۲ ـ فاطمه علیها السلام بر سر قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و مشتی از خاک قبر را برداشت و روی چشمش گذاشت و گریه کرد.[۲]

۳ ـ یک فرد اعرابی، بر سر قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و مقداری از خاک قبر آن حضرت را بر سرش پاشید و به آن حضرت خطاب کرد:

«از چیزهایی که بر تو نازل شد، آیهٔ ﴿**وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُواْ أَنفُسَهُمْ جَآؤُوكَ**﴾ بود، پس ای رسول خدا! من به خودم ظلم کردم، نزد تو آمده ام که برایم طلب مغفرت نمایی. از قبر ندایی برآمد که: بخشیده شدی. این جریان در حضور علی ابن ابی طالب، امیر المؤمنین علیه السلام اتّفاق افتاد».[۳]

۴ـ بلال بر سر قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و صورتش را روی خاک قبر گذاشت و گریه کرد. در این هنگام حسن و حسین رسیدند، آنان را به سینه چسبانید و بوسید.[۴]

---

۱ ـ مستدرک حاکم: ۴/ ۱۳۶۱.

۲ ـ کشف الارتیاب: ۴۳۶، نقل از تحفة ابن عساکر.

۳ ـ وفاء الوفاء، سمهودی: ۲/ ۱۳۶۱.

۴ ـ اسد الغابة: ۱/ ۲۰۸.

۵ ــ عایشه روزی از قبرستان بر می‌گشت. راوی می‌گوید: به او گفتم: «ای امّ المؤمنین! از کجا می‌آیی؟».

گفت: «از سرقبر برادرم عبد الرحمان می‌آییم». گفتم: «مگر پیغمبر خداصلی‌الله‌علیه‌وآله زیارت قبور را نهی نکرده بود؟». گفت: «چرا، قبلاً از زیارت قبور منع کرده بود، ولی بعداً به آن امر نمود».[۱]

۶ ــ ابن تیمیّه برای مشروعیّت زیارت قبر ابو بکر و عمر، به زیارت عبد الله بن عمر از قبر آن دو استدلال می‌کند. ابن عمر سر قبر آنان می‌گفته است:

«سلام بر ابی بکر صدّیق و عمر بن خطّاب؛ سلامی همانند سلام بر سایر قبور».

ابن عمر وقتی که از سفر برمی گشت، به رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله، ابو بکر و عمر سلام می‌داد و می‌گفت:

«درود و سلام بر رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله، درود و سلام بر تو ای ابو بکر! درود و سلام بر تو ای پدر!». سپس روانه منزل می‌گشت. بدین جهت علمایی که زیارت قبور را جایز دانسته‌اند، به خاطر اقتدا به اصحاب رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله بوده است.[۲]

---

۱ ــ سنن کبری، بیهقی: ۴/ ۱۳۱، باب ۱۷۰، ح ۷۲۰۷.

۲ ــ تنبیه زائر المدینة: ۲۷، به نقل از الجواب الباهر فی زیارة المقابر، ابن تیمیّه: ۶۰۶.

بنابراین زیارت قبور به طور کلی، از نظر قرآن، احادیث شریف و سیره مسلمین جایز ومشروع است.

چهارم: توسّل در کنار قبر رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله

ممکن است جهت مشروعیّت زیارت قبور، بـه مطلـب دیگـری استدلال نمود و آن این که: توسّل در کنار قبر رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله جایز و جزءِ عباداتی است که شخص مسلمان می‌تواند بـه وسـیلهٔ آن بـه خداوند تقرّب پیدا کند.

قرآن کریم در چندین مورد بر آن تأکید کرده اسـت؛ از جملـه در سوره یوسف می‌فرماید:

﴿قَالُواْ يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا...﴾؛[1]

گفتند: «ای پدرمان! برای آمرزش گناهان ما، طلب مغفرت نما».

فرزندان یعقوب، بر اساس ایـن آیـه، از پدرشـان طلـب مغفـرت می‌کنند. طبیعی است که قدرت و ارادهٔ خداوند را نادیـده نگرفتـه‌انـد بلکه چون پدرشان نزد خداوند آبرو داشـته، از ایـن رو، او را واسـطهٔ مغفرت قرار داده‌اند. همین مطلب از جواب حضرت یعقـوب فهمیـده می‌شود:

﴿سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّيَ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾.[2]

---

۱ ـ یوسف (۱۲): ۹۷.

۲ ـ یوسف: (۱۲): ۹۸.

«به زودی برای شما از خداوند طلب بخشش می کنم، به راستی که خداوند، بسیار بخشنده و رحیم است.»

احادیث شریف هم، بر مشروعیّت توسّل دلالت می‌کنند.

انس بن مالک گفته است:

«وقتی که فاطمه بنت اسد فوت کرد، رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله وارد شد و کنار سر او نشست، سپس فرمود: خداوند تو را که پس از مرگ مادرم در حقّ من مادری کردی، بیامرزد».

سپس رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله اسامة بن زید، ابو ایّوب انصاری، عمر بن خطّاب و بردهٔ سیاهی را برای کندن قبر او صدا کرد. آنان قبر را آماده کردند، وقتی به لَحد رسیدند، آن حضرت وارد قبر شد و لَحد را کند و خاکش را بیرون ریخت، سپس در لحد خوابید و فرمود:

«ای خدایی که زنده می‌کنی و می‌میرانی! و زنده ای و نمی‌میری، مادرم فاطمه بنت اسد رابیامرز و قبر او را وسعت بخش. به حقّ پیغمبرت و پیغمبرانی که قبل از من بوده‌اند».[۱]

سیرهٔ مسلمین در توسّل نیز بعد از رحلت رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله جاری بوده است؛ از این رو، می‌بینیم که ابو بکر بعد از رحلت پیغمبرصلی‌الله‌علیه‌وآله گفت:

«ای محمّد! ما را نزد پروردگارت یاد کن و ما را در خاطر داشته باش».[۲]

---

۱ ــ کشف الارتیاب: ۳۱۲، به نقل از وفاء الوفاء والدرر السنیّه: ۸.

۲ ــ الدرر السنیّه در ردّ وهّابیّت: ۳۶.

در صحیح بخاری روایت شده است:

«وقتی که مردم دچار قحطی می‌شدند، عمر بن خطّاب بـه وسـیلهٔ عبّاس بن عبد المطّلب، از خدا طلب باران می‌کرد و می‌گفت: خدایا! ما به پیغمبران متوسّل می‌شدیم و بر ما باران می‌فرستادی، حـال بـه عموی پیغمبرمان توسّل می‌جوییم، پس بر ما باران بفرست».

در پایان روایت بخاری آمده است که: «بـاران بـر مـردم نـازل می‌شد».[1]

منصور عبّاسی: از مالک بن انس دربارهٔ کیفیّـت زیـارت رسـول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله و توسّل به ایشان پرسید که:

«ای ابو عبد الله! رو به قبله باشم و دعا کنم، یا رو بـه رسـول الله کنم؟».

مالک جواب داد: چرا رویت را از ایشان بگردانی، در حالی کـه پیغمبر، وسیلهٔ تو و وسیلهٔ «مغفرت پدرت آدم تا روز قیامت اسـت، پس رو به آن حضرت کن و از ایشان طلب شفاعت نما که خداونـد از تو قبول می‌کند. خداوند فرموده است:

﴿**وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُواْ أَنفُسَهُمْ...**﴾[2].

«اگر اینان به خود ظلم کردند و به تو پناهنده شدند...».

---

۱ ــ صحیح بخاری: ۲/ ۳۲، ح۹۴۷، باب نماز استسقا.

۲ ــ به نقل از: وفاء الوفاء: ۲/ ۱۳۷۶.

بنابر این، توسّل از عبادتهای مشروع می‌باشد و مسلمانان به رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله، پیغمبران و صالحان، توسّل می‌جسته‌اند. و زیارت قبر رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله هم مستلزم توسّل به ایشان است و سَلف صالح، ضمن توسّل به آن حضرت، قبر ایشان را زیارت می‌کرده‌اند. این نیز یکی از ادلّهٔ مشروعیّت زیارت قبور می‌باشد.

پنجم: زیارت قبر رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله

علاوه بر اجماع مسلمین از زمان پیغمبر تا زمان ما، آیات قرآن کریم و روایات شریف، بر زیارت قبر رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله و طلب مسألت نزد ایشان، دلالت می‌کند. ما سراغ نداریم که غیر از فرقهٔ وهّابیان، احدی از مسلمین، منکر مشروعیّت زیارت قبر پیغمبر خداصلی‌الله‌علیه‌وآله باشد. قرآن می‌فرماید:

﴿...وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُواْ أَنفُسَهُمْ جَآؤُوكَ فَاسْتَغْفَرُواْ اللّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُواْ اللّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا﴾[1].

خداوند در این جا به گناهکاران دستور می‌دهد که نزد رسول خدا بروند و از او بخواهند که برای آنان طلب مغفرت نماید ؛ زیرا دعای پیغمبرصلی‌الله‌علیه‌وآله درباره آنان مستجاب می‌شود.

۱ـ نساء (۴): ۶۴.

گفتنی است که: این آیه به زمان زنده بودن پیغمبرﷺ اختصاص ندارد بلکه دارای یک حکم کلّی‌است که شامل زمان حیات و بعد از رحلت آن حضرت نیز می‌شود؛ زیرا از نظر قرآن، پیغمبران و اولیا در عالم برزخ، می‌بینند و می‌شنوند. علاوه بر آن، روایات زیادی می‌گوید که فرشتگان، سلام مردم را به رسول خداﷺ می‌رسانند.[۱]

در صحاح آمده است:

رسول خداﷺ فرمود: «هیچ کس نیست که بر من سلام کند، مگر آن که خداوند روحم را به من برمی گرداند تا جواب سلام او را بدهم».[۲]

و نیز از رسول خداﷺ نقل شده که فرمود:

«بر من درود و سلام بفرستید، زیرا درود و سلام شما هر جا که باشید، به من می‌رسد».[۳]

ابو سعید سمعانی از امیر مؤمنان علی ابن ابی طالبؑ نقل می‌کند:

«یک اعرابی سه روز بعد از دفن رسول خداﷺ وارد مدینه شد و خود را روی قبر شریف آن حضرت انداخت و از خاک آن بر سرش ریخت و گفت: ای رسول! تو گفتی و ما حرفهای شما را شنیدیم. تو

---

۱ ــ ر. ک: زیارت قبور در کتاب و سنّت: ۱۲۹ به بعد.

۲ ــ سنن ابی داوود: ۱/ ۴۷۰ ــ ۴۷۱ ، کتاب الحجّ، باب زیارت قبور.

۳ ــ التاج الجامع للاصول فی احادیث الرسول: ۱۸۹/۲.

شنیدی از خدا آنچه را که ما از شما شنیدیم. از جمله آنچه بر شما نـازل شد، آیهٔ: ﴿**وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُواْ أَنفُسَهُمْ**...﴾ بود. من به خودم ستم کردم و حال پیش تو آمده‌ام تا نزد پروردگارم برایم طلب مغفرت کنی».[۱]

از این رو، جایز است که انسان در کنار قبـر رسـول خـداﷺ بایستد و از آن حضرت بخواهد که برایش طلب آمرزش نماید، پس زیارت قبر رسول خداﷺ مـشروع و جـایز اسـت؛ زیـرا حقیقـت زیارت، همان حضور زایر، نزد زیارت شونده است.

امّا احادیثی که در صحاح دربارهٔ زیارت قبر رسول خداﷺ وارد شده فراوان است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱ـ عبد الله بن عمر از رسول خداﷺ روایت می‌کند:

«هـر کـس قبـرم را زیـارت کنـد، شـفاعتم بـرای او واجـب می‌شود».[۲]

۲ ـ رسول خداﷺ فرمود:

«هر کس فقط به خاطر زیارت من بیاید، سزاوار اسـت کـه روز قیامت شفیع او باشم».[۳]

---

۱ ـ الجوهر المنظم، ابن حجر و سمهودی هم آن‌را در وفاء الوفاء ذکر کرده است: ۲/ ۶۱۲.

۲ ـ الفقه علی المذاهب الاربعة: ۱/ ۵۹۰ (علمای مذاهب چهارگانه بر طبـق ایـن حـدیث فتـوا داده اند)، ر. ک: وفاء الوفاء: ۴/ ۱۳۳۶.

۳ ـ ر. ک: شفاء السقام، تقی الدین سبکی: ۳/ ۱۱ (دربارهٔ سند این حدیث بحث کرده اسـت) ؛ همچنین ر. ک: وفاء الوفاء، سمهودی: ۴/ ۱۳۴۰.

۳ ــ از پیغمبر اسلامﷺ روایت شده است:

«هر کس حجّ به جای آورد و مرا زیارت نکند، به من جفا نموده است».[۱]

۴ــ و نیز از آن حضرت روایت شده است:

«هر کس حجّ به جای آورد و سپس قبرم را زیارت نماید، مانند این است که در زمان زنده بودنم مرا زیارت کرده است».[۲]

نظر وهّابیان دربارهٔ زیارت قبر رسول خداﷺ

ابن تیمیّه و پیروان او همچون محمّد بن عبد الوهّاب[۳]، زیارت قبر آن حضرت را تحریم کرده! و برای اثبات این نظر افراطی خود، به روایت ابو هریره استدلال کرده‌اند. ابوهریره نقل می‌کند که پیغمبر اسلامﷺ فرمود:

«بستن وسایل سفر، جایز نیست، مگر برای سه مسجد: مسجد من و مسجد الحرام و مسجد الاقصی».[۴]

---

۱ ــ وفاء الوفاء: ۴/ ۱۳۴۲.

۲ ــ همان: ۱۳۴۰.

۳ ــ رسائل الهدیة السنیّه، محمّد بن عبد الوهّاب: رسالهٔ دوّم.

۴ ــ صحیح مسلم: ۴/ ۲۶، کتاب الحجّ، باب لا تشدّ الرحال؛ سنن ابی داوود: ۱/ ۴۶۹، کتاب الحجّ؛ سنن نسائی همراه با شرح سیوطی: ۲/ ۳۷ ــ ۳۸.

ابن تیمیّه ذیل این حدیث می‌گوید:

«همهٔ ائمهٔ حدیث بر صحّت این حدیث اتّفاق دارند و به آن عمل می‌کنند؛ بنابراین، اگر کسی نذر کند که در غیر آن سه مسجد، در مسجد، یا زیارتگاه دیگری نماز بخواند، یا در آن اعتکاف نماید، وفای به نذر بر او واجب نیست و این حکم، مورد اجماع ائمّهٔ حدیث و فتواست».[۱]

این حدیث در صحاح روایت شده است و ما درصدد نقد سند حدیث نیستیم بلکه می‌خواهیم مفاد و دلالت آن را مورد بررسی قرار بدهیم؛ فرض آن است که نصّ حدیث چنین است:

«**لا تشدّ الرحال إلاّ إلی ثلاثة مساجد...**».

مسلّم است که «**إلاّ**» حرف استثناست و ناچار باید مستثنی منه داشته باشد و از آن جایی که چنین چیزی در ظاهر کلام نیست، باید آن را مقدّر دانست؛ ممکن است تقدیر به یکی از دو صورت باشد:

۱ ـ لا تشدَّ الرِّحال إلی مسجد من المساجد إلاّ ثلاثة مساجد.

۲ـ لا تشدَّ الرِّحال إلی مکان من الأمکنة إلاّ ثلاثة مساجد.

اگر بگوییم که: «**إلی مسجد من المساجد**» در تقدیر است، معنای آن چنین می‌شود: نباید به مسجدی از مساجد، «**شدّ رحال**» شود، مگر به سه مسجد یاد شده. در این صورت، عدم جواز «شدّ رحال» شامل غیر

---

۱ ـ ابن تیمیّه در ردّ بر اخنایی: ۲۷.

مسجد نمی‌شود؛ بنابراین، زیارت پیامبران و امامان و صلحا استثنا نمی‌شود، و «**شدّ رحال**» برای این گونه جاها ممنوع نیست بلکه مشروع و جایز است؛ زیرا موضوع بحث در صورت، تقدیر اوّل، «مسافرت» به مساجد، به استثنای سه مسجد یاد شده است، امّا مسافرت به مشاهد مشرّفه و زیارتگاه‌ها مشمول نهی حدیث نیست و ربطی به موضوع حدیث ندارد.

امّا اگر تقدیر دوّم را اختیار کردیم، لازمهٔ آن، این است که کلیّهٔ سفرهای معنوی غیر از سفر به مناطق و مساجد سه گانه حرام است، خواه برای زیارت مسجد باشد، یا برای زیارت جاهای دیگر لکن شواهد و قراین، تقدیر اوّل را تأیید می‌کند؛ زیرا:

اوّلاً: مستثنا در این حدیث، مساجد سه گانه می‌باشد و روشن است که استثنای متّصل است؛ بنابر این، باید مستثنی منه از قبیل مستثنا باشد؛ یعنی «**إلی مسجد من المساجد**» و نه مکان.

ثانیاً: اگر هدف از حدیث، جلوگیری از کلّیّهٔ مسافرتهای معنوی باشد، انحصار و محدود نمودن آن صحیح نیست؛ زیرا انسان در موسم حجّ، به عرفات و مشعر الحرام و منا مسافرت می‌کند و اگر سفرهای معنوی به غیر از مساجد سه گانه حرام باشد، پس بر چه اساس به منا و عرفات مسافرت می‌شود؟ آیا این مطلب گواه این نیست که این حدیث، به دروغ به پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله نسبت داده شده است؟

ثالثاً: در قرآن کریم و احادیث شریف، بـه برخـی از سـفرهای دینی، ترغیب و تشویق شده است؛ مانند مسافرت بـرای«جهـاد فـی سبیل الله»، «طلب دانش»، «کسب معرفت»، «صلهٔ رحم»،«زیارت پدر و مادر» و... قرآن می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُواْ كَآفَّةً فَلَوْلاَ نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَـةٍ مِّـنْهُمْ طَآئِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُواْ فِي الدِّينِ وَلِيُنـذِرُواْ قَـوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُـواْ إِلَـيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾[1]

«شایسته نیست مؤمنان همگی کوچ کنند، چرا از هر گروهی از آنان، طایفه ای کوچ نمی‌کند تا در دین آگاهی یابند و به هنگام بازگـشت به سوی قوم خود آنـان را هـم بترسـانند؟ شـاید از مخالفـت فرمـان پروردگار بترسند و خودداری کنند».

به همین دلیل، محقّقان و دانشمندان بزرگ، حدیث یاد شـده را همانند ما تفسیر کرده‌اند.

غزّالی در کتاب احیاء العلوم می‌گوید:

«این که برای عبادت سفر کند؛ خواه برای حجّ، یـا جهـاد، یـا زیارت قبور پیغمبران، اصحاب، تابعان، عالمان و اولیا، جایز اسـت و هر کسی که به دیدار او در حیاتش تبرّک می‌شود، در وفـاتش هم با زیارت او، متبرّک می‌شود و مسافرت برای چنین منظـوری، جایز است و «**وَ لاَ تشدَّ الرِّحال إلا إلی ثلاثةَ مساجدَ...** » مانع ایـن

---

۱ ـ توبه (۹): ۱۲۲.

سفرها نیست؛ زیرا این روایت در بارهٔ مساجد است و مساجد ـ به جز مساجد سه گانه ـ همه از نظر شأن ومنزلت یکسان می‌باشند وگرنه هیچ فرقی در اصل فضیلت، بین زیارت قبور پیامبران، اولیا و عالمان نمی‌باشد؛ اگر چه بر حسب درجات و تقرّب به خداوند، دارای تفاوت زیادی هستند».[۱]

بنابر این، آنچه در این حدیث منع شده مسافرت به غیر مساجد سه گانه از مساجد دیگر است و این مطلب ربطی به سفر به مساجد، یا زیارتگاه‌ها به قصد زیارت، یا اهداف معنوی دیگر ندارد.

شاهد این مطلب، گفتار صاحبان صحاح و سنن دربارهٔ سیرهٔ پیغمبر اسلامﷺ است که سواره و پیاده به مسجد قبا می‌رفت و درآن جا دو رکعت نماز می‌خواند[۲].

ما حقّ داریم سؤال کنیم: آیاسفر به خاطر اقامهٔ نماز در یکی از خانه‌های خدا، حرام و ممنوع است؟! اگر نماز در مسجد مستحب است، مقدّمهٔ مستحب هم مستحب خواهد بود.[۳]

وهّابیّان با توجّه به این مطالب، زیارت قبر رسول خداﷺ را به طور مطلق تحریم نکرده‌اند بلکه می‌گویند: اصل زیارت، مشروع و

---

۱ ـ احیاء علوم الدین: ۲/ ۲۴۷، کتاب آداب سفر، دارالمعرفة بیروت؛ الفتاوی الکبری: ۲/ ۲۴.
۲ ـ صحیح مسلم: ۱۲۷/۴؛ صحیح بخاری: ۲/ ۷۶؛ سنن نسائی، همراه با شرح سیوطی: ۲/ ۳۷.
۳ ـ الوهّابیّه فی المیزان: ۱۵۲ ـ ۱۴۸.

جایز است، ولی مسافرت اگر به قصد زیارت قبر پیغمبرﷺ باشد، حرام است!

محمّد بن عبد الوهّاب می‌نویسد:

«اصل زیارت قبر رسول خداﷺ مشروع است، ولی مسافرت جایز نیست، مگر برای زیارت مسجد و نماز در آن»[۱].

ابن تیمیّه می‌گوید:

«آمدن نزد قبور پیغمبران و صالحان، به خاطر نماز و دعا مستحب نیست بلکه احادیث صحیح آن را منع کرده و خیلی از علما آن را ذکر نموده‌اند، امّا زیارت قبور برای دعا و طلب مغفرت برای آنان چنان که پیغمبرﷺ برای اهل بقیع انجام می‌داد، جایز است».[۲]

ابن تیمیّه زیارت قبر رسول خداﷺ را از جهت نیّت و قصد مسافر، سه قسم دانسته است:

۱ـ به قصد نماز به مسجد النبیﷺ می‌رود؛ این سفر به نص و اجماع مشروع است.

---

۱ ـ از رسائل الهدیّة السنیّة، محمد بن عبد الوهّاب، رسالهٔ دوّم.

۲ ـ ابن تیمیّه در ردّ بر اخنایی و الفتاوی الکبری، ابن تیمیه: ۱/ ۱۲۲ ـ ۱۱۸.

۲ــ به قصد مسجد النبی و قبر رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله می‌رود، که در این جا مسافر قصد انجام عمل مستحبّی کرده است و اجماعاً مشروع می‌باشد.

۳ ــ فقط قبر رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله را قصد می‌کند که در این مورد اختلاف است. مالک و بیشتر فقها این سفر را حرام می‌دانند و بسیاری از آنان قصر نماز را در این سفر جایز نمی‌دانند، ولی دیگران آن را سفر جایز می‌دانند؛ اگر چه مستحب نیست و سفر به آن، به خاطر نذر، واجب نمی‌باشد.[۱]

حافظ ذهبی، جواب ابن تیمیّه را داده و گفتار او را رد کرده است. وی می‌گوید:

«کسی که کنار حجرهٔ مقدّس نبوی با حالت سرافکنده و خشوع بایستد و بر پیغمبرش درود بفرستد، پس خوشا به حال او که بهترین زیارت را انجام داده و محبّت و تواضعش را به حدّ کمال رسانده است و درحقیقت عبادتی بیش از عبادت کسی که در شهر خود یا در نمازش، به پیامبر درود می‌فرستد، انجام داده است؛ زیرا زایر هم اجر زیارت دارد و هم اجر صلوات بر پیغمبرصلی‌الله‌علیه‌وآله و کسی که در سایر شهرها بر پیغمبرصلی‌الله‌علیه‌وآله سلام می‌دهد، فقط اجر صلوات و سلام را دارد.

---

۱ ــ ابن تیمیّه در رد بر اخنایی: ۱۶.

هر کس یک درود بر او بفرستد، خداوند ده درود بر او می‌فرستد. و اگر کسی آن حضرت را زیارت کند و آداب زیارت را رعایت نکند، یا بر قبر ایشان سجده کند، یا کارهای خلاف شرع انجام دهد، هم کار خوب کرده و هم بد و باید با رفق و مدارا او را توجیه و راهنمایی نمود. و البتّه خداوند آمرزنده و مهربان است ؛ بنابر این، زیارت قبر آن حضرت از بهترین راهها برای نزدیک شدن به خداوند است و مسافرت برای زیارت قبور پیامبران و اولیا را بر فرض که جایز ندانیم، ولی مسافرت برای قبر رسول خداﷺ لازمه‌اش مسافرت برای زیارت مسجد پیغمبرﷺ است و این بدون هیچ گونه اختلافی جایز و مشروع است؛ زیرا باید به مسجد النبیﷺ داخل شد تا به حجرهٔ شریفه و قبر آن حضرت رسید، پس در ابتدا [نماز] تحیّت مسجد را می‌خواند، سپس به صاحب مسجد، سلام و تحیّت می گوید. خداوند این(توفیق) را قسمت همه ما و شما کند.[۱]

شیخ شعیب در ذیل سخن ذهبی نوشته است:

«ذهبی در این جا استادش ابن تیمیّه را که **«شدّ رحال»** را برای زیارت قبر پیغمبرﷺ جایز نمی‌داند و این که حاجی باید قصد زیارت مسجد النبی کند، رد کرده و به آن جواب داده است[۲].

---

۱ ــ سیر اعلام النبلاء حافظ ذهبی: ۴ / ۴۸۴.

۲ ــ البشارة والاتحاف، در اختلاف عقیده بین ابن تیمیه و البانی: نوشتهٔ: حسن بن علی سقاف: ۵۵.

ششم: اجماع بر جواز زیارت قبور وزیارت قبر رسولﷺ

مسلمانان همگی قولاً و عملاً نه تنها زیارت قبر رسول خداﷺ را جایز می‌دانند بلکه زیارت قبور پیغمبران، صالحان و مؤمنان را هم مستحب می‌دانند و مشروعیّت زیارت قبر رسول خداﷺ نزد مسلمانان ملحق به ضروریّات است تا چه رسد به اجماع و سیره ای که در مسأله وجود دارد.

سمهودی از سبکی نقل می‌کند به این که: «عیاض گفته که زیارت قبر رسول خداﷺ بین مسلمانان سنّت است که همگی بر آن اجماع دارند و دارای فضیلت می‌باشد».[۱]

سبکی گفته:

«علما و دانشمندان، بر استحباب زیارت قبور برای مردان، همان طوری که نووی آن را حکایت کرده است، اجماع دارند بلکه برخی از فرقهٔ ظاهریّه آن را واجب می‌دانند. دربارهٔ زیارت قبور برای زنان اختلاف است، البتّه قبر شریف رسول خداﷺ دارای دلایل خاصّی است و به همین خاطر می‌گویم: بین مردان و زنان در مورد زیارت قبر آن حضرت، فرقی نیست».[۲]

---

۱ ـ الشفاء، قاضی عیاض: ۲/ ۸۳.

۲ ـ شفاء السقام سبکی: ح ۶۹،۷۰ (چاپ استانبول ۱۳۱۸ هـ).

اقوال علما

در این جا به نظر چند تن از علما اشاره می‌شود:

۱ـ امام ابو عبد الله محمّد بن ادریس شافعی گفته است:

«زیارت قبور اشکالی ندارد، البتّه نباید نزد آنان هذیان گفته شود؛ مانند نفرینها و آه و ناله‌های ناروا، پس اگر قبرها را زیارت کردی. برای میّت، طلب مغفرت کن و خود را رقیق القلب نما».[۱]

۲ـ حاکم می‌گوید:

«تلاش فراوانی را برای جمع آوری و به دست آوردن روایات زیارات قبور نمودم تا باعث تشویق به زیارت شود و کسی که معاند است و زیارت قبور را قبول ندارد، بداند که زیارت قبور از سنّتهای پیامبر خداصلی‌الله‌علیه‌وآله است».[۲]

۳ ـ ابن نجیم مصری گفته است:

«زیارت قبور و دعا برای اموات، اشکالی ندارد و در [کتاب] مجتبی تصریح کرده که مستحب است و گفته شده که برای زنان حرام است لکن اصح آن است که جواز آن برای مرد و زن ثابت شده است».[۳]

---

۱ ـ معرفة السنن و الآثار، شافعی: ۳/ ۲۰۳، باب زیارت القبور.

۲ ـ مستدرک حاکم: ۱/ ۳۷۷.

۳ ـ البحر الرائق فی شرح کنز الدقایق: ۲/ ۱۹۵.

۴ـ منصور علی ناصف می‌گوید:

«جمهور علمای مسلمین، امر به زیارت قبور را استحبابی می‌دانند».[۱]

۵ ـ ابن حزم گفته است:

«زیارت قبور مستحب است و بر یک مرتبهٔ آن تأکید شده و شایسته نیست که ترک شود. روایات صحیحی از عایشه و ابن عمر و دیگران بر زیارت قبور نقل شده و از عمر، روایتی رسیده که زیارت قبور را منع کرده است، ولی صحیح نمی‌باشد».[۲]

۶ ـ ابو حامد غزّالی می‌نویسد:

«زیارت قبور فی الجمله جهت یادآوری مرگ و آخرت و عبرت، مستحب است. زیارت قبور صالحان، به خاطر تبرّک و عبرت مستحب می‌باشد».[۳]

۷ ـ عبد الرحمان جزیری گفته است:

«زیارت قبور جهت موعظه گرفتن و یاد آخرت، مستحب است و این استحباب نزد حنفی‌ها و مالکی‌ها در روز جمعه و یک روز قبل و بعد از آن، تأکید بیشتری دارد. حنبلی‌ها و شافعی‌ها مخالف این تأکید می‌باشند. حنبلی‌ها گفته‌اند: استحباب زیارت قبور، هیچ

---

۱ ـ التاج الجامع للاصول: ۳۸۱/۱.

۲ ـ المحلّی: ۱۶۰/۵، مسألهٔ ۶۰۰.

۳ ـ احیاء العلوم: ۴/ ۵۲۱.

روزی تأکید نشده است. شافعی‌ها گویند: استحباب از عصر روز پنج‌شنبه تا طلوع آفتاب شنبه تأکید شده و در میان مالکی‌ها همین قول را برخی راجح و برتر می‌دانند».[۱]

۸ ـ در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام استحباب زیارت قبور در روز دوشنبه و صبح شنبه به جهت تأسّی و پیروی از پیغمبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله تأکید شده است[۲]. روایت شده که پیغمبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله با جمع زیادی از اصحابش هر شام پنج‌شنبه به بقیع می‌رفتند و می‌گفتند:

«السلام علیکم یا اهل الدیار (سه مرتبه) **و رحمکم الله** (سه مرتبه».[۳]

کیفیّت زیارت شیعیان

آیا زیارت قبور و حرم امامان از سوی شیعیان و پیروان اهل بیت علیهم‌السلام؛ مستلزمِ مطالبِ خلاف شرع است؟! یا آن که معاذ الله روح شرک را می‌پروراند!! همچنان که برخی از ناصبی‌ها و دشمنان اهل بیت پیغمبر علیهم‌السلام آن را رواج می‌دهند؟!

حقّ آن است که در زیارت قبر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمّهٔ اهل بیت علیهم‌السلام و قبور اولیا، صالحان و شهیدان و... آنچه روشن و مشهود

---

۱ ـ الفقه علی المذاهب الاربعة: ۱/ ۵۴۰.

۲ ـ جواهر الکلام: ۴/ ۳۲۱.

۳ ـ وسائل الشیعة: ۳/ ۲۲۳، ح ۳۴۶۷.

است، عبارت است از: تقویت روح خدا پرستی، ایمان، فـدا کـاری، جهاد فی سبیل الله، ظلم ستیزی، یار مظلوم بودن و نیز یـاد مـرگ و آخرت و عبرت گرفتن. در این جا یک نمونه از زیارتی که شیعیان کنار این قبور مطهرّه می‌خوانند، ذکر می‌شود. زیـارتی کـه علاّمـهٔ مجلسی، سند و متن آن را از همه بهتر معرّفی کرده و محـدّث قمّـی (صاحب مفاتیح الجنان)، اعتبار آن را عالی دانسته است.این‌زیارت‌را، جابر از حضرت امام محمّد باقرعليه‌السلام روایت کرده که حـضرت علـی بن حسین؛ امام سجّادعليه‌السلام آن را در کنار قبر جـدّش امیـر المـؤمنین علی ابن ابی‌طالبعليه‌السلام می‌خوانده است. ترجمهٔ مـتن زیـارت چنـین است:

«درود بر تو ای امین خدا در زمین! و حجّـت او بـر بنـدگانش. درود بر تو ای امیر مؤمنان! گواهی می دهم به این که تو در راه خدا آن‌گونه که می بایست، جهاد کردی و به کتابش عمل نمـودی و از سنّتهای پیامبرش که درود و رحمـت خداونـد بـر او و آل او بـاد، پیروی کردی تا این که خداوند تو را به نزد خودش دعوت کـرد و جانت را به اختیار خودش قبض نمود و دشـمنانت را بـه حجّـت و دلیل، با حجّتهای رسای دیگری که با تو بود، بر تمامی خلق خداوند ملزم کرد.

خدایا! خاطر و نفس مرا به تقـدیرت، مطمـئن و آرام قـرار ده و خشنود به قضایت، آرزومند به ذکر و دعایت، دوستدار برگزیدگان

اولیایت، محبوب در زمین و آسمانت، بردبار بر نزول بلایت، شکر گزار در مقابل نعمتهای خوبت، یاد آور نعمتهای شایانت، مشتاق به شادی ملاقات امر تو، توشه بردار تقوا برای روز جزایت، پیروی کننده به روشهای اولیایت، جدا از اخلاق دشمنانت، مشغول از دنیا به حمد و ستایشت.

خدایا! دلهای شیفتگان به سویت شوریده و به تو پناه می برند. راههای مشتاقان به سویت آشکار و ظاهر و پرچمهای کاروان آستانت پدیدار شده است. دلهای عارفان از تو لرزانند. آوازهای دعا گویان به درگاهت بلند است. درهای اجابت به آنها باز است و دعای هر که با تو مناجات کند، مستجاب است و توبهٔ هر که به سوی تو باز گردد، پذیرفته است. دیدهٔ هر که از خوف تو گریه کند، مورد ترحّم‌است. دادرسی برای آنان که از تو دادرسی جویند، موجود است. به کمک و یاری کسی که از تو یاری جوید، سخاوتمندانه می پردازی. وعده هایت برای بندگانت وفا شود. از لغزشهای هر که گذشت خواهد، گذشت می شود. کارهای عمل کنندگان نزد تو محفوظ است. روزی خلایق از درگاه تو نازل می شود و بهره های زیادی به انعام می رسد و گناهان آمرزش جویان آمرزیده است و حاجتهای خلقت نزد تو برآورده است و جایزه درخواست کنندگان نزد تو مهیّاست. بهره های پیاپی زیاد

است. سفره های خورندگان آماده است. حوضها و چشمه ها بهر شیفتگان لبریز است.

خدایا! دعایم را مستجاب و ستایشم را بپذیر و میان من و دوستانت جمع کن. به حقّ محمّد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام؛ زیرا تویی ولیّ نعمتها و نهایت آروزها و منتهای امید من هنگام مردن و جایگاهم».

در کتاب «کامل الزیارات» این فقرات نیز مسطور است:

«تو خدا و آقا و مولای منی. بیامرز دوستان مارا و دشمنان را از ما دفع کن و آنان را از ما باز دار و سخن حقّ را آشکار نما و آن را برترو والا قرار ده و سخن باطل را از میان ببر و آن را پست و خوار بگردان، زیرا تو بر هر چیز توانایی».

همچنان که مشاهده می شود، از سر تا سر این زیارت، توحید و ربوبیّت پروردگار متعال و دعا و تضرّع و ابتهال إلی الله و استغفار از گناه به درگاه خداوند وحاجات خواستن از ربّ متعال و رحمت گسترده و عامّ الهی و استجابت دعا خواستن به حقّ پنج نور پاک و دعا برای تحقّق کلمهٔ حقّ ونابودی باطل و... استفاده می شود که کاملاً روح شرک و امور ناروا را سرکوب می کند و روح ایمان، خدا پرستی، تقوا و تضرّع إلی الله را می پروراند.

خلاصهٔ بحث

زیارت قبور در تمام جامعه‌ها وجود داشته است و دین مقدّس اسلام هم آن را امضا کرده و به آن اهتمام ورزیده است. آنچه ازرسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله ثابت شده آن است که آن حضرت، قبور را همچون قبر مادرش و قبور بقیع، زیارت می‌کرده است. سیرهٔ مسلمین هم بر زیارت قبر پیامبر و اولیا و صالحان، در زمان پیغمبرصلی‌الله‌علیه‌وآله و بعد از رحلت آن حضرت تا زمان ما همواره جاری بوده است.

و نیز زیارت قبر رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله از نظر قرآن، احادیث و تاریخ، ثابت شده است و به زمان حیات پیغمبرصلی‌الله‌علیه‌وآله اختصاص ندارد. و سخن ابن تیمیّه در مورد تحریم زیارت قبر رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله مخالف نصّ قرآن، احادیث نبوی، سیره و اجماع علماست که همگی آن را مستحب می‌دانند.